

# کاشمش

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

دوشنبه ۱ تیر ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هفتم / شماره ۸ / صفحه ۲۵۰۰۰ / تومان

## تابلوساز علی پور

مجری انواع تابلوهای تبلیغاتی...

گرگان، بلوار مدرس، نبش مدرس ۹

تلفن: ۰۹۱۱۵۶۷۱۳۶۹ تماس: ۰۹۱۱۵۶۷۱۳۶۹

طلای سبز مراوه تپه چشم انتظار

بروندسازی



۲

سیاست و اثرگذاری تاریخی نهضت عاشورا

«یادداشت»



۳

صادرات سیب زمینی

«تحلیل یک خبر»



۳

### یادداشت اول

## گلستان و رویای توسعه

فاطمه سراوانی

هرگاه صحبت از ظرفیت‌های اقتصادی استان گلستان به میان می‌آید، فهرستی بلند از مزیت‌ها پیش روی ما قرار می‌گیرد؛ از زمین‌های حاصلخیز کشاورزی و جنگل‌های هیرکانی گرفته تا سواحل خزر، مرزهای تجاری و تنوع قومی و فرهنگی. با این حال، واقعیتی که مردم استان هر روز با آن زندگی می‌کنند، فاصله قابل توجهی با این تصویر امیدوارکننده دارد. گلستان با وجود برخورداری از منابع فراوان، هنوز نتوانسته جایگاه شایسته خود را در اقتصاد ملی پیدا کند و این پرسش همچنان پابرجاست که چرا ثروت‌های طبیعی استان به رفاه پایدار برای شهروندان تبدیل نشده‌اند. اقتصاد گلستان سال‌هاست بر دوش کشاورزی حرکت می‌کند. گندم، برنج، کلزا، پنبه و محصولات باغی بخش مهمی از معیشت مردم را تأمین می‌کنند، اما کشاورزی استان با مشکلاتی روبه‌رو است که دیگر نمی‌توان از کنار آن‌ها به سادگی گذشت. کاهش منابع آبی، تغییرات اقلیمی، افزایش هزینه نهاده‌ها و کوچک شدن سود کشاورزان، بسیاری از تولیدکنندگان را در شرایط دشواری قرار داده است. هنوز بخش زیادی از محصولات کشاورزی بدون فرآوری و ایجاد ارزش افزوده از استان خارج می‌شود؛ موضوعی که باعث شده سود اصلی نصیب واسطه‌ها و بازارهای خارج از استان شود، نه تولیدکنندگانی که ماه‌ها برای برداشت محصول زحمت کشیده‌اند. در کنار کشاورزی، گلستان ظرفیت کم‌نظیری در حوزه گردشگری دارد. کمتر استانی را می‌توان یافت که هم جنگل، هم دریا، هم دشت و هم آثار تاریخی را در کنار هم داشته باشد. با این وجود، بسیاری از جاذبه‌های گردشگری استان همچنان با کمبود زیرساخت، ضعف تبلیغات و نبود سرمایه‌گذاری مناسب مواجه هستند. کافی است نگاهی به وضعیت برخی مناطق گردشگری‌پذیر یا پروژه‌های نیمه‌تمام بیننازیم تا مشخص شود که میان ظرفیت‌های موجود و برنامه‌ریزی‌های اجرایی فاصله‌ای جلی وجود دارد. از سوی دیگر، بحران خلیج گرگان و پستی آب دریای خزر تنها یک مسئله نیست، محیطی نیست؛ این موضوع مستقیماً بر اقتصاد منطقه نیز تأثیر می‌گذارد.

ادامه در صفحه ۲



کشت قراردادی نسخه نجات کشاورزی از بلا تکلیفی

«۸»



فرسایش خاموش سرمایه‌های فکری ...

«یادداشت»



ادبیات

«۴-۵»

# اقتصاد ایران پس از تفاهم



## رقابت استان‌ها برای جذب سرمایه و شکل‌گیری الگوی توسعه چندمحوری

گذاری بلندمدت را آسیب‌پذیر می‌کند. چهارم، شکاف نیروی انسانی؛ فاصله قابل توجهی با استانداردهای بین‌المللی در حوزه‌هایی مانند حقوق قراردادها، زبان تجاری و مدیریت زنجیره تأمین وجود دارد. در سطح رقابت منطقه‌ای، مزیت گلستان صرفاً به موقعیت جغرافیایی محدود نمی‌شود، بلکه در سه ابزار مکمل برای جذب سرمایه معنا پیدا می‌کند: نخست، توان هماهنگی نهادی و کاهش اصطحکاک اداری از طریق تجمیع دستگاه‌های اجرایی در قالب «میزهای خدمت سرمایه‌گذاری»؛ سازوکاری که فرآیند تصمیم‌گیری و اخذ مجوز را برای سرمایه‌گذار از چندین ماه به چند هفته کاهش می‌دهد و آن را قابل پیش‌بینی می‌سازد؛ دوم، بهره‌گیری از ظرفیت منطقه آزاد اینچه‌برون و مشوق‌های مالیاتی و مقرراتی آن که هزینه ورود سرمایه و ریسک‌های اولیه را کاهش می‌دهد و نقش ضربه‌گیر نهایی را در برابر ناطمینانی‌های بوروکراتیک ایفا می‌کند و سوم، مزیت ژئوآکونومیک ناشی از قرارگیری در کریدور ریلی و ترانزیتی آسیای میانه که امکان تبدیل استان به هاب لجستیک و دروازه تجاری شمال کشور را فراهم می‌سازد. مزیت ژئوآکونومیک گلستان زمانی خواهد شد که همزمان زیرساخت‌های لجستیک پس‌کرانه‌ای نیز توسعه یابد. در حال حاضر ظرفیت اسمی بندر و گمرکات شمالی کشور حدود ۱۸ میلیون تن برآورد می‌شود، اما حجم جا به جایی عملی کالا نزدیک به ۸ میلیون تن است. این شکاف نشان می‌دهد که محدودیت اصلی نه در ظرفیت بندر و گمرکات، بلکه در زیرساخت‌های تخلیه و بارگیری، انبارداری، حمل و نقل ترکیبی و شبکه لجستیک پس‌کرانه قرار دارد.

ادامه در صفحه ۲

فشار رقابتی جلی مواجه خواهند شد و ناچار به بازتعریف ساختار خود هستند. مهمترین تحول این دوره، جا به جایی میدان رقابت از بنگاه‌ها به استانهاست. در اقتصاد جدید، سرمایه‌به‌سمت مناطقی حرکت می‌کند که همزمان دارای دسترسی لجستیک، مزیت تولیدی، ثبات تصمیم‌گیری و امکان اتصال به بازارهای منطقه‌ای باشند. تحلیل فرصت‌ها بدون توجه به موانع ساختاری، به برنامه‌ریزی غیر واقع‌بینانه منجر می‌شود. این موانع را می‌توان در چهار محور اصلی خلاصه کرد: نخست، نظام بانکی ناکارآمد؛ بانک‌های کشور با انباشت مطالبات معوق، ضعف کیفیت سرمایه و عدم اتصال به شبکه مالی بین‌المللی، توان ایفای نقش واسطه‌مالی در مقیاس جهانی را ندارند. دوم، اقتصاد سیاسی اصلاحات؛ بخش‌هایی از ساختار اقتصادی که طی سالیان گذشته از انحصار و رانت تحریم بهره‌مند بوده‌اند، انگیزه کافی برای پذیرش رقابت ندارند. سوم، ریسک‌نازگشت‌پذیری؛ تجربه ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ نشان داد که نبود تضمین‌های حقوقی پایدار، سرمایه

بدبیهی است تحقق آثار اقتصادی مورد بحث در این یادداشت، منوط به اجرای کامل تعهدات طرفین و عبور موفق از مراحل بعلی مذاکرات است و نباید به منزله قطعی بودن نتایج اقتصادی تلقی شود. در سطح ملی، نخستین برندگان این دوره «صنایع صادرات محور» خواهند بود. خوشه‌های پتروشیمی، نفت و گاز، صنایع معدنی و فلزی، صنایع غذایی و کشاورزی و شرکت‌های دانش‌بنیان بیشترین ظرفیت را برای جذب سرمایه خارجی دارند. کاهش هزینه مبادلات مالی، دسترسی به فناوری‌های نوین و اتصال دوباره به بازارهای جهانی، رقابت‌پذیری این بخش‌ها را افزایش می‌دهد. در کنار این بخش‌ها، اقتصاد دیجیتال نیز نقش فزاینده‌ای خواهد داشت؛ از تجارت الکترونیک تا هوش مصنوعی و خدمات داده‌محور. در صورت اتصال به بازارهای جهانی، این حوزه‌ها می‌توانند به موتور رشد جدید اقتصاد ایران تبدیل شوند. در مقابل، صنایعی که در سال‌های گذشته در فضای محافظت‌شده و رانتی فعالیت کرده‌اند - به‌ویژه صنعت خودرو - با

فرزاد نجفی امیری - امضای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد در ۱۷ ژوئن ۲۰۲۳ میان ایران و آمریکا را می‌توان آغاز مرحله‌ای جدید در اقتصاد ایران دانست؛ مرحله‌ای که در آن، مسیر تدریجی کاهش تحریم‌ها، آزادسازی بخشی از دارایی‌های مسدود شده و بازگشت به شبکه مالی جهانی در دستور کار قرار گرفته است. در این چارچوب، از آزادسازی حدود ۲۴ میلیارد دلار دارایی بلوکه شده تا ظرفیت بالقوه ۳۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در میان مدت مطرح می‌شود؛ با این حال، این ارقام سقف‌های نظری هستند و نه تعهدات عملی. تحقق آنها وابسته به مجموعه‌ای از شرایط فنی، حقوقی، نهادی و سیاسی است که هر یک می‌تواند مسیر را به‌طور کامل تغییر دهد. تجربه کشورها نشان می‌دهد که فرصت‌های پست‌تحریم به صورت خودکار به توسعه تبدیل نمی‌شوند. مسئله اصلی نه صرف وقوع رشد، بلکه نحوه جذب، تخصیص و توزیع سرمایه در داخل کشور است. در چنین شرایطی، رقابت اقتصادی از سطح بنگاه‌ها فراتر رفته و به سطح استان‌ها و مناطق اقتصادی منتقل می‌شود؛ جایی که مزیت‌های نهادی، زیرساختی و جغرافیایی تعیین‌کننده اصلی خواهند بود. پیش از تحلیل فرصت‌های این دوره، مرور تجربه برجام ضروری است. توافق ۲۰۱۵ با انتظارات بالا همراه بود، اما در عمل، بازگشت سرمایه‌گذاری خارجی کندتر، محدودتر و ناپایدارتر از پیش‌بینی‌ها بود. مهمترین عوامل این شکاف شامل ریسک ثانویه برای بانک‌های بین‌المللی، ضعف شفافیت قراردادی، محدودیت‌های حاکمیت شرکتی و بی‌ثباتی سیاسی بود که نهایتاً با خروج آمریکا در ۲۰۱۸ تشدید شد. البته که تفاهم‌نامه جدید در بستری متفاوت شکل گرفته، اما بخش مهمی از موانع ساختاری همچنان پابرجاست و نادیده گرفتن آنها خطای تحلیلی محسوب می‌گردد.

## ادامه یادداشت اول

## گلستان و رویای توسعه

کاهش فعالیت‌های مرتبط با گردشگری و صیادی، معیشت بخشی از ساکنان مناطق ساحلی را تحت

تأثیر قرار داده است. بی‌توجهی به این روند می‌تواند در سال‌های آینده هزینه‌های سنگین‌تری را به استان تحمیل کند. یکی از نگرانی‌های جدی گلستان، مهاجرت نیروهای جوان و تحصیل کرده است. بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به دلیل کمبود فرصت‌های شغلی مناسب، آینده خود را در شهرها و استان‌های دیگر جست‌وجو می‌کنند. این روند در حالی ادامه دارد که استان برای توسعه بیش از هر چیز به نیروی انسانی متخصص و خلاق نیازمند است. خروج سرمایه انسانی،

زخمی خاموش بر پیکر اقتصاد گلستان است که آثار آن به مرور زمان آشکارتر می‌شود. با این همه، هنوز فرصت‌های فراوانی پیش روی استان قرار دارد. توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی، احیای ظرفیت‌های بندر ترکمن و اینچ‌برون، گسترش تجارت مرزی، حمایت از کسب‌وکارهای نوآور و سرمایه‌گذاری در گردشگری پایدار می‌تواند مسیر تازه‌ای برای اقتصاد گلستان ترسیم کند. اما تحقق این اهداف مستلزم آن است که نگاه‌های کوتاه‌مدت جای خود را به برنامه‌ریزی‌های پایدار و مبتنی

بر واقعیت‌های استان بدهند. گلستان بیش از آنکه با کمبود منابع مواجه باشد، با کمبود بهره‌برداری صحیح از ظرفیت‌های موجود روبرو است. مردم این استان سال‌هاست وعده توسعه را می‌شنوند، اما توسعه زمانی معنا پیدا می‌کند که آثار آن در اشتغال جوانان، رونق تولید، افزایش درآمد خانوارها و بهبود کیفیت زندگی مردم استان دیده شود. آینده اقتصادی گلستان نه در شعارها، بلکه در تصمیم‌هایی رقم خواهد خورد که امروز برای استفاده درست از این فرصت‌ها گرفته می‌شود.

## ادامه تیر اول

از این منظر، منطقه آزاد اینچ‌برون می‌تواند با ایفای نقش هاب لجستیکی شمال کشور، بخشی از این گلوگاه را برطرف کند. اهمیت این موضوع در سال‌های اخیر و به ویژه پس از جنگ رمضان نیز دوچندان شده است؛ زیرا کشورهای منطقه برای کاهش ریسک‌های ترانزیتی، توجه بیشتری به مسیرهای شمالی و کریدور بین‌المللی شمال-جنوب به عنوان مسیر جایگزین معطوف کرده‌اند. ترکیب این سه مؤلفه، چارچوبی از رقابت پذیری واقعی برای گلستان ایجاد می‌کند که آن را از یک استان مبتنی بر مزیت‌های خام، به یک بازیگر فعال در شبکه جذب سرمایه در اقتصاد چندمحوری پساتحريم ارتقا می‌دهد. تجربه پروژه‌هایی مانند پتروشیمی گلستان نشان داده است که فقدان طراحی نهادهای ضعیف در حکمرانی پروژه می‌تواند حتی سرمایه‌های گسترده را به شکست منجر کند. این تجربه بیانگر آن است که توسعه صرفاً تابع منابع مالی نیست، بلکه تابع کیفیت نهادها، شفافیت حقوقی و تعریف دقیق روابط میان ذینفعان است. تفاوت مسیر آینده با گذشته در عبور از «مشارکت نمادین» به «شراکت واقعی» است؛ شراکتی که در آن حقوق، تعهدات و منافع سهامداران خرد به صورت شفاف و قابل تضمین تعریف شده باشد. در این چارچوب، الگوی توسعه استان‌ها باید از پروژه‌های بزرگ متمرکز به سمت زنجیره‌های ارزش کوچک‌تر اما شفاف

تر حرکت کند؛ از برندهای محلی در صنایع دستی و کشاورزی تا گردشگری و خدمات. در بخش کشاورزی، محصولاتی مانند زعفران، میگو و گندم با کیفیت تنها در صورت تکمیل زنجیره ارزش - شامل فرآوری، بسته‌بندی، استانداردهای جهانی و حضور در بازارهای صادراتی - قابلیت تبدیل به مزیت پایدار را دارند. بدون این مؤلفه‌ها، مزیت خام فروشی تلاطم خواهد یافت. خوشه‌های عظیم‌آباد نیز نمونه‌ای از شکل‌گیری برند صنعتی محلی است که در صورت ارتقای طراحی، بازاریابی دیجیتال، حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی و دریافت استانداردهای جهانی می‌تواند جایگاه ملی و منطقه‌ای پیدا کند. در بخش گردشگری، تنوع اقلیمی گلستان از جنگل‌های هیرکانی تا دشت‌ها ظرفیت توسعه گردشگری طبیعت محور را فراهم می‌کند. در کنار آن، گردشگری سلامت نیز دارای مزیت هزینه‌ای قابل توجه است. هزینه خدمات درمانی در ایران به طور متوسط حدود ۲ تا ۴ برابر کمتر از ترکیه و تا ۱۰ برابر کمتر از امارات و عمان برآورد می‌شود. این شکاف قیمتی همراه با تجربه درمانی قابل رقابت، موجب جذب سالانه بیش از یک میلیون گردشگر سلامت عملیات از کشورهای همسایه شده است. برآوردهای محافظه‌کارانه نشان می‌دهد که جذب ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار گردشگر سلامت با میانگین هزینه ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ دلار می‌تواند ظرفیتی در حدود ۱۵۰ تا ۳۰۰ میلیون دلار درآمد مستقیم ایجاد کند؛ ظرفیتی که با توسعه خدمات جانبی قابل افزایش است. با این حال، تبدیل این مزیت به جریان پایدار درآمدی منوط به توسعه زیرساخت‌های مکمل است: استانداردهای مراکز درمانی، توسعه اقامتگاه‌های متناسب با بیماران خارجی، نظام اعتباربخشی بین‌المللی و تسهیل ورود

و اقامت. در غیر این صورت، مزیت قیمتی به تنهایی به مزیت رقابتی پایدار تبدیل نخواهد شد. درباره هدف گذاری ۲۰ میلیارد دلاری جذب سرمایه گذاری در سند توسعه استان نیز باید با احتیاط برخورد کرد. تحقق این هدف تنها در صورتی ممکن است که هم اصلاحات ملی (بانکی، ارزی و مقرراتی) پیش برود و هم مزیت‌های واقعی استان به درستی فعال شوند. برای جلوگیری از تبدیل این هدف به یک عدد صرفاً برنامه‌ای، لازم است شاخص‌های سنجش عملکرد نیز تعریف شود؛ از جمله رشد صادرات غیرنفتی استان، افزایش اشتغال در صنایع تبدیلی و تعداد قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی منعقد شده در بازه‌های ۲ و ۵ ساله علی‌الخصوص در منطقه آزاد اینچ‌برون. نقش سیاست‌گذار نیز در این دوره تعیین‌کننده است. ثبات سیاست‌های ارزی، اصلاح نظام بانکی، شفافیت مقررات سرمایه‌گذاری و کاهش هزینه‌های مبادله پیش شرط ورود سرمایه خارجی هستند. اتاق‌های بازرگانی نیز باید از نقش سنتی فراتر رفته و به بازیگران فعال دیپلماسی اقتصادی تبدیل شوند. در نهایت، تفاهم نامه اسلام آباد در صورت تحقق کامل، آغاز مرحله‌ای از رقابت چندمحوری در اقتصاد ایران خواهد بود؛ رقابتی که در آن مزیت اصلی نه منابع خام، بلکه کیفیت حکمرانی، بهره‌وری و توان اتصال به اقتصاد جهانی است. استان‌هایی در این رقابت موفق خواهند بود که پیش از ورود سرمایه خارجی، زیرساخت‌های نهادی خود را آماده کرده باشند؛ چرا که در اقتصاد جهانی، سرمایه به دنبال امنیت قراردادی است، نه صرفاً هزینه پایین تولید.

دانشجوی دکتری آمار

## طلای سبز مراوه‌تپه چشم‌انتظار بر نندسازی



ضرورت بهره‌برداری اقتصادی و پایدار از این ظرفیت طبیعی نیز تاکید دارند. معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان در نشست بررسی مسائل مرتبط با فعالیت شرکت تعاونی توسعه بصیرت مراوه‌تپه، بر لزوم بهره‌برداری اصولی از ذخیره‌گاه ژنتیکی پسته وحشی این شهرستان تاکید کرد و گفت: حفاظت از این ذخیره‌گاه ارزشمند و ایجاد درآمد برای جوامع محلی باید به‌صورت همزمان دنبال شود تا منافع اقتصادی، به‌عنوان عاملی برای تقویت حفاظت از منابع طبیعی تبدیل شود. عبدالعلی کیان‌مهر با اشاره به ارزش اقتصادی و زیست‌محیطی عرصه‌های پسته وحشی مراوه‌تپه، اظهار کرد: استفاده از ظرفیت تعاونی‌ها و جلب مشارکت مردم محلی می‌تواند هم به توسعه اقتصادی منطقه کمک کند و هم روند حفاظت از منابع طبیعی را تقویت سازد از همین رو ضروری است پیش از آغاز فصل بهره‌برداری، تصمیمات لازم درباره ادامه فعالیت شرکت و نحوه مدیریت این عرصه‌ها اتخاذ شود. وی همچنین بر بررسی عملکرد سال‌های گذشته شرکت در حوزه بهره‌برداری، توسعه و حفاظت از عرصه‌های پسته وحشی تاکید کرد و افزود: تصمیم‌گیری درباره ادامه همکاری‌ها باید بر اساس ارزیابی دقیق عملکرد و میزان پایبندی به تعهدات قراردادی انجام شود تا منافع عمومی، حفظ ذخایر طبیعی و حقوق جوامع محلی به‌صورت همزمان تامین شود. معاون استاندار گلستان خاطر نشان کرد: ذخیره‌گاه پسته وحشی مراوه‌تپه یکی از ظرفیت‌های ارزشمند استان است که در صورت مدیریت صحیح، می‌تواند در ایجاد اشتغال، رونق اقتصادی، توسعه مناطق روستایی و افزایش تاب‌آوری معیشتی ساکنان این منطقه مرزی نقشی مؤثر ایفا کند. به‌باور کارشناسان، آنچه امروز پسته وحشی مراوه‌تپه به آن نیاز دارد، عبور از برداشت سنتی و فروش خام به سمت مدیریت زنجیره ارزش است که این زنجیره از حفاظت و برداشت اصولی آغاز می‌شود و با فرآوری، بسته‌بندی، برندسازی و بازاریابی تکمیل خواهد شد. در چنین شرایطی، «طلای سبز» مراوه‌تپه نه تنها می‌تواند به منبع درآمدی پایدار برای مرزنشینان تبدیل شود، بلکه به‌عنوان یک مزیت بومی، نقش مهمی در معرفی ظرفیت‌های کمتر دیده‌شده شرق گلستان نیز ایفا خواهد کرد.

روز حوادث طبیعی و همکاری آنان با دستگاه‌های مرتبط از جمله محیط زیست و منابع طبیعی، تصریح کرد: تلاطم این مشارکت مردمی در کنار حمایت دستگاه‌های اجرایی، می‌تواند مسیر حفاظت از پسته‌زارهای وحشی و تبدیل این محصول به یک برند بومی را هموار کند. رئیس اداره منابع طبیعی و آبخیزداری مراوه‌تپه نیز با اشاره به نزدیکی فصل برداشت، حفاظت از این سرمایه ارزشمند، جلوگیری از برداشت زودهنگام، مقابله با خام‌فروشی و پیشگیری از قاچاق محصول را از اولویت‌های این دستگاه برشمرد و گفت: پسته وحشی مراوه‌تپه بخشی از ذخیره‌گاه طبیعی و هویت اکولوژیک منطقه به شمار می‌رود و صیانت از آن نیازمند همکاری همه‌جانبه مردم، بهره‌برداران و دستگاه‌های اجرایی است. خلیل حاجیلی دوجی افزود: هرگونه برداشت خارج از چارچوب و پیش از موعد، می‌تواند به کاهش کیفیت محصول، آسیب به درختان و تضعیف توان بازتولید این رویشگاه‌ها منجر شود از این رو مدیریت زمان برداشت و نظارت بر فرایند بهره‌برداری، اهمیتی دوچندان دارد. در کنار نگاه حفاظتی، مسئولان استان بر

نحوه مدیریت دوره برداشت نقشی تعیین‌کننده در حفظ این سرمایه، جلوگیری از آسیب به درختان و افزایش ارزش افزوده محصول دارد. سرپرست فرمانداری مراوه‌تپه با تاکید بر ضرورت برداشت اصولی و به‌موقع پسته وحشی و ارگانیک قازانقابه، این محصول را یکی از سرمایه‌های طبیعی ارزشمند منطقه دانست و گفت: اگر فرایند برداشت، جمع‌آوری و عرضه بسته‌بندی قازانقابه به‌صورت منسجم و اصولی مدیریت شود، علاوه بر جلوگیری از قاچاق و خام‌فروشی، امکان عرضه آن با قیمت مناسب در بازارهای داخلی و حتی خارجی فراهم خواهد شد و این روند می‌تواند در اقتصاد منطقه تحول ایجاد کند. خدایار سیفی، حفاظت و برندسازی را دو حلقه اصلی بهره‌گیری پهنه از این سرمایه خدادادی برشمرد و افزود: شرکت تعاونی پسته قازانقابه که متشکل از اهالی سختکوش این منطقه است، ظرفیت مناسبی برای مدیریت این عرصه و ساماندهی بهره‌برداری از آن دارد که در صورت تقویت، می‌تواند هم در صیانت از رویشگاه و هم در بهبود معیشت مردم نقش آفرین باشد. وی با اشاره به همراهی مردم محلی و اعضای این تعاونی در زمان

رویش پسته وحشی و ارگانیک در محدوده قازانقابه شهرستان مرزی مراوه‌تپه، به‌عنوان شرقی‌ترین نقطه گلستان، ظرفیتی طبیعی و اقتصادی برای این منطقه به شمار می‌رود که به باور کارشناسان و مدیران محلی، با حفاظت اصولی، ساماندهی برداشت، جلوگیری از خام‌فروشی و حرکت به سمت برندسازی می‌تواند به یکی از پیشران‌های توسعه پایدار و درآمدزایی برای جوامع بومی شرق استان تبدیل شود. به گزارش ایرنا، مراوه‌تپه با اقلیم خاص خود در همسایگی ترکمنستان، از دیرباز بستر مناسبی برای رویش پسته وحشی بوده و همین ویژگی، بخش‌هایی از اراضی این شهرستان را به یکی از رویشگاه‌های ارزشمند این محصول در گلستان بدل کرده است. این سرمایه طبیعی که ریشه در تاریخ و جغرافیای منطقه دارد، امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند توجه به اصول بهره‌برداری، حفاظت از ذخیره‌گاه ژنتیکی و تکمیل زنجیره ارزش از تولید تا فرآوری و عرضه است که می‌تواند «طلای سبز» مراوه‌تپه را از یک محصول محلی به یک برند اقتصادی و مزیت پایدار منطقه‌ای تبدیل کند. شرایط آب‌وهوایی مراوه‌تپه با تابستان‌های گرم و زمستان‌های سرد، در طول قرن‌ها زمینه رویش پسته وحشی را در این منطقه فراهم کرده است. به گفته کارشناسان، قدمت رویش این محصول در مراوه‌تپه به حدود ۸۰۰ سال می‌رسد و در گذشته بخش وسیعی از اراضی منطقه را دربر می‌گرفت، اما در دهه‌های اخیر به دلایل مختلف از جمله برداشت زودهنگام، چرای بی‌رویه دام و قطع درختان، وسعت این رویشگاه‌ها کاهش قابل توجهی یافته است. بر اساس اعلام کارشناسان، سطح رویشگاه پسته وحشی مراوه‌تپه در ۶۰ سال گذشته از حدود ۵۰ هزار هکتار به نزدیک پنج هزار و ۲۰۰ هکتار رسیده که این کاهش وسعت، ضرورت حفاظت از این ذخیره‌گاه طبیعی را بیش از پیش آشکار می‌کند. در همین چارچوب، بخشی از این عرصه‌ها از سوی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان برای حفظ، احیا و بهره‌برداری در اختیار شرکت تعاونی بصیرت مراوه‌تپه قرار گرفته تا زمینه مشارکت مردم محلی در صیانت از این سرمایه طبیعی فراهم شود. فصل برداشت پسته وحشی در مراوه‌تپه از دهه دوم مرداد آغاز می‌شود و حدود یک ماه ادامه دارد که به اعتقاد مسئولان،



## سیاست و اثرگذاری تاریخی نهضت عاشورا



ابراهیم مهدوی

نهضت عاشورا تنها یک رخداد مذهبی نیست؛ بلکه نقطه آغاز یک گفتمان سیاسی پایدار است که در طول تاریخ اسلام و ایران، الهام بخش جنبش های عدالت خواهانه و

مقاومت در برابر استبداد بوده است. این مقاله با رویکرد تاریخی - تحلیلی، مهم ترین نمونه های اثرگذاری سیاسی عاشورا را بررسی می کند؛ از قیام توابعین و مختار تا نقش تعیین کننده عاشورا در انقلاب اسلامی ایران. نتیجه پژوهش نشان می دهد که عاشورا یک «نیروی سیاسی زنده» است که در هر دوره، صورت تازه ای از مقاومت و اصلاح طلبی را پدید آورده است. مقدمه عاشورا در سال ۶۱ هجری، رخدادی بود که در آن، امام حسین (ع) با ایستادگی در برابر حکومت اموی، معیار مشروعیت سیاسی را از نو تعریف کرد. این واقعه، نه تنها یک اعتراض اخلاقی، بلکه یک کنش سیاسی آگاهانه بود که پیامدهای آن در قرون بعدی به صورت قیام ها، جنبش ها و دولت های جدید ظاهر شد. این مقاله به بررسی نمونه های تاریخی اثرگذاری سیاسی عاشورا می پردازد. ۱- قیام توابعین (۶۵ هجری): نخستین واکنش سیاسی به عاشورا رهبران: سلیمان بن صرد خزاعی ماهیت: جنبش توبه و اعتراض سیاسی.

اثر سیاسی: ایجاد موج گسترده ناراضی علیه امویان پیوند با عاشورا: شعار اصلی آنان «یا لثارات الحسین» بود. تحلیل:

توابعین نخستین گروهی بودند که شکست سیاسی کوفه را پذیرفتند و با مرگ خود، فضای سیاسی عراق را علیه امویان شعله ور کردند. این قیام، عاشورا را از یک حادثه غم بار به یک گفتمان سیاسی فعال تبدیل کرد. ۲- قیام مختار ثقفی (۶۱ هجری): عدالت خواهی سیاسی هدف: مجازات عاملان کربلا.

اثر سیاسی: حذف بخش مهمی از ساختار قدرت اموی ایجاد شکاف در جبهه اموی

پیوند با عاشورا: تشکیل حکومت با شعار «یا لثارات الحسین» تحلیل:

قیام مختار نخستین پیروزی سیاسی جریان حسینی بود.

این قیام نشان داد که عاشورا می تواند ساختار قدرت را تغییر دهد و عدالت خواهی را به نیروی سیاسی تبدیل کند. ۳- قیام زید بن علی (۱۲۲ هجری): تداوم منطق خروج علیه ظلم ماهیت: قیام فکری - سیاسی.

اثر سیاسی: شکل گیری مذهب زیدی تثبیت نظریه «خروج علیه حاکم ظالم»

پیوند با عاشورا: زید قیام خود را ادامه راه امام حسین معرفی کرد. تحلیل:

قیام زید، عاشورا را به نظریه سیاسی شیعه تبدیل کرد؛ نظریه ای که مسئولیت اجتماعی و سیاسی را واجب می دانست.

۴- نهضت های علوی در عصر عباسیان: عاشورا به عنوان معیار مشروعیت

نمونه ها: محمد نفس زکیه، حسین شهید فخر اثر سیاسی: ایجاد بحران مشروعیت برای عباسیان تقویت هویت سیاسی شیعه.

پیوند با عاشورا: همه این قیام ها با الگوی «امر به معروف سیاسی» عاشورا شکل گرفتند.

تحلیل:

در این دوره، عاشورا تبدیل به معیار سنجش عدالت حکومت ها شد.

۵- دولت های شیعی (قرون ۳ تا ۵ هجری): رسمی شدن سیاست عاشورایی

نمونه ها: آل بویه، فاطمیان، زیدیان طبرستان.

اثر سیاسی: رسمی شدن آیین های عاشورایی تبدیل عاشورا به هویت سیاسی شیعه. پیوند با عاشورا: آل بویه برای نخستین بار مراسم رسمی عاشورا را در بغداد برگزار کرد.

تحلیل:

در این دوره، عاشورا از یک «جنبش» به یک نظام هویت ساز سیاسی تبدیل شد.

۶- نهضت مشروطه (۱۲۸۵ شمسی): عاشورا و عدالت خواهی مدرن

رهبران: علمای نجف، بهبهانی، طباطبایی. اثر سیاسی: بسیج عمومی علیه استبداد قاجار مشروعیت بخشی دینی به عدالت خواهی.

پیوند با عاشورا: خطابه های عاشورایی، مردم را علیه ظلم شاه برانگیخت.

تحلیل:

در مشروطه، عاشورا به زبان سیاسی مردم تبدیل شد. ۷- قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲: آغاز نهضت امام خمینی

اثر سیاسی: آغاز رسمی مبارزه با پهلوی تبدیل عاشورا به گفتمان اعتراض پیوند با عاشورا: سخنرانی عاشورای امام خمینی علیه شاه، نقطه آغاز نهضت بود.

تحلیل:

عاشورا در این دوره، مبنای مشروعیت مقاومت سیاسی شد. ۸- انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷): اوج اثرگذاری سیاسی عاشورا

اثر سیاسی: سقوط رژیم پهلوی شکل گیری نظام سیاسی جدید پیوند با عاشورا: راهپیمایی های میلیونی تاسوعا و عاشورا شعار «کل یوم عاشورا، کل ارض کربلا»

تحلیل:

انقلاب اسلامی بزرگ ترین نمونه معاصر اثرگذاری سیاسی عاشورا است؛ جایی که عاشورا به موتور محرک یک انقلاب تبدیل شد.

نتیجه گیری بررسی تاریخی نشان می دهد که عاشورا یک نیروی سیاسی زنده است در هر دوره، صورت تازه ای از مقاومت می آفریند معیار مشروعیت حکومت ها شده است، الهام بخش جنبش های عدالت خواهانه بوده است در ایران معاصر، نقش تعیین کننده در انقلاب اسلامی داشته است بنابراین، عاشورا نه یک حادثه محدود به سال ۶۱ هجری، بلکه یک جریان سیاسی - اخلاقی ماندگار است.

دکترای ادبیات فارسی و پژوهشگر دینی

بر اساس مداخلات موردی. اگر هر بحران نیازمند ورود مستقیم عالی ترین مقام اجرایی استان باشد، باید پرسید وظیفه شبکه کارشناسی، نهادهای تخصصی و سازوکارهای پیش بینی و هشدار چیست؟ شاید مهم ترین نکته این باشد که موفقیت را نباید صرفاً در خروج چند هزار تن محصول از مرزها جست و جو کرد. موفقیت واقعی زمانی رخ می دهد که کشاورز پیش از کاشت، از سرنوشت محصول خود اطمینان داشته باشد؛ بدانند چه میزان تولید کند، برای چه بازاری تولید کند و محصولش با چه سازوکاری به فروش خواهد رسید. در چنین شرایطی صادرات نه یک عملیات نجات، بلکه بخشی طبیعی از زنجیره تولید و تجارت خواهد بود. اتفاقی که امروز در گلستان رخ داده، می تواند آغاز یک مسیر مثبت باشد؛ اما تنها در صورتی که به جای جشن گرفتن برای حل یک بحران، به فکر جلوگیری از تکرار بحران بعدی باشیم. کشاورزان بیش از آنکه به تصمیمات اضطراری نیاز داشته باشند، به ثبات، پیش بینی پذیری و سیاست گذاری هوشمندانه نیاز دارند. ارزش هر موفقیت مدیریتی نیز نه در حل مشکلات پس از وقوع، بلکه در جلوگیری از شکل گیری آن ها سنجیده می شود.

می شود، پرسش مهم تری نیز باید مطرح شود: چرا کار به جایی رسید که صادرات به عنوان راه نجات معرفی شد؟ مگر نه اینکه دستگاه های متولی از ماه ها قبل از سطح زیر کشت، میزان تولید و ظرفیت بازار آگاهی دارند؟ اگر این اطلاعات وجود داشته، چرا پیش از انباشته شدن محصول و افت قیمت ها برای مدیریت بازار اقدام نشده است؟ و اگر چنین برآوردی در کار نبوده، باید درباره کیفیت نظام برنامه ریزی در بخش کشاورزی نگران بود. واقعیت این است که کشاورزی با تصمیمات مقطعی اداره نمی شود. بازارهای صادراتی نیز با دستورهای لحظه ای شکل نمی گیرند. کشورهایی که امروز مقصد سیب زمینی گلستان هستند، زمانی به مشتریان پایدار تبدیل خواهند شد که صادرکننده ایرانی بتواند تداوم تأمین، ثبات قیمت و اطمینان در روابط تجاری را تضمین کند. بازاری که یک روز باز و روز دیگر بسته شود، بیش از آنکه فرصت اقتصادی باشد، منبع بی اعتمادی است. از سوی دیگر، در روایت های رسمی معمولاً نقش افراد پررنگ تر از نقش ساختارها نمایش داده می شود. حضور میدانی مسئولان و شنیدن بی واسطه مشکلات مردم ارزشمند است، اما توسعه پایدار بر پایه سازوکارهای کارآمد شکل می گیرد، نه

این روزها خبر آغاز صادرات سیب زمینی گلستان به کشورهای منطقه در فضای مجازی و رسانه ها منتشر شده است، منتشر کنندگان این اتفاق را نشانه ی موفقیت مدیریت اجرایی استان و پاسخی به مطالبات کشاورزان می دانند. بی تردید باز شدن مسیر صادرات و خروج بخشی از محصول انباشته شده از بازار داخلی، برای کشاورزانی که ماه ها نگران فروش دسترنج خود بودند، خبر خوشایندی است. اما هر موفقیتی، پیش از آنکه محل تحسین باشد، باید موضوع ارزیابی و پرسشگری قرار گیرد؛ به ویژه زمانی که پای معیشت هزاران کشاورز در میان است. آنچه امروز به عنوان دستاورد صادراتی مطرح می شود، در واقع از دل یک بحران بیرون آمده است؛ بحرانی که ریشه آن نه در مباحث مربوط به تولید، بلکه در نبود مدیریت موثر بازار نهفته است. سال ها است کشاورزان استان با یک چرخه تکراری دست و پنجه نرم می کنند؛ سالی که محصول کم است، بازار با افزایش قیمت ملتهب می شود و سالی که تولید بالا می رود، مازاد محصول به کابوس تولیدکننده تبدیل می شود. در هر دو حالت، این کشاورز است که هزینه ناکارآمدی سیاست گذاری را می پردازد. به همین دلیل، وقتی از صادرات ۱۰ هزار تن سیب زمینی سخن گفته

## تحلیل یک خبر

## صادرات سیب زمینی

مهران فجری

# آگهی مزایده کتبی فروش زمین (مرحله چهارم)

شهرداری بندرگز به استناد مجوز شماره ۷۱۳ مورخه ۱۴۰۴/۸/۱۲ شورای اسلامی شهر بندرگز و تأییدیه شماره ۱۴۰۴/۸۰۶۲۱ مورخه ۱۴۰۴/۹/۸ کمیته انطباق فرمانداری در نظر دارد نسبت به فروش تعداد ۱۱ قطعه زمین اقدام نماید.

کلیه مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد قیمت و بازگشایی پاکات در مزایده از روز شنبه مورخه ۱۴۰۵/۳/۲۳ تا ساعت ۱۲ روز چهارشنبه مورخه ۱۴۰۵/۴/۱۰ از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس: [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir)

## شعر ایران

## لشکر صاحب زمان



علی اصغر شاهسنایی، اصفهان

هیچ کس ما را نفهمیده‌ست، چون رازیم ما  
نغمه شوریم، شور نینواسازیم ما

ما سکوت غربت شب‌های بین سنگریم  
گوش اگر مرد شنیدن هست، آوازیم ما

قد ما را خم نمی‌بیند کسی جز در نماز  
کوری چشم تبر، سرو سرافرازیم ما

ترس را ترسانده‌ایم از خویش در میدان جنگ  
مرگ هم از ما گریزان است، جانبازیم ما

خو نمی‌گیریم با اهل زمین، ای آسمان!  
باز کن آغوش را، مشتاق پروازیم ما

تاجر عشقیم، وقتی مشتری مان شد خدا  
پیشکش کردیم جان را، دست و دل بازم ما

معجزه یعنی که می‌میریم اما زنده‌ایم  
با شهادت زندگی کردیم، اعجازیم ما

مرگ ما آستن یک اتفاق تازه است  
عشق پایانی ندارد، اهل آغازیم ما

صبح رجعت باز هم پشت سر فرماندهیم  
لشکر صاحب زمان هستیم، سربازیم ما

## رجز خوان



فائزه امجدیان، قم

از شاهنامه از دل میدان رسیده‌اند  
اسطوره‌های ما به خیابان رسیده‌اند

برخیز و دخترانه‌ترین رزم را ببین!  
گرد آفریده‌های رجزخوان رسیده‌اند

با پرچمی به قدمت چندین هزار سال  
با ماتی به وسعت ایران رسیده‌اند

هر شب، زمان به وقت ملاقات روده‌ها  
رودابه‌های شهر، خروشان رسیده‌اند

با دیوها بگو که شب هفت‌خان ماست  
با ناوها بگو که به طوفان رسیده‌اند

ما سروهایمان هم از آنان کهن تر است  
آن‌ها چقدر تازه‌به‌دوران رسیده‌اند!

گلدسته‌ی قدیمی هر شهر شاهد است  
این قوم، قرن‌هاست به ایمان رسیده‌اند

ما تازه فصل اول این شاهنامه‌ایم  
اهریمنان چه زود به پایان رسیده‌اند



با اندازه‌ی و جب خاک  
زیر پای مادرش صدا میزنند  
وقتی برای اولین بار  
در بغل مضطرب و جوانش فرو مانده باشد  
اصلا مادر آمد تا حواس من را پرت کند

تا گریه افتادم،  
مادرم انگشت سبابه‌اش را تبر کرد  
گریه را قطع کرد

من یاد گرفتم گریه‌ام را فراموش کنم  
از یاد گرفتن فراموشی  
از حافظه‌ی شیر که تبدیل به رفاقتی عمیق شده بود  
و بعدها مسیرش را داد به نق نق‌های من،  
دم تمام بستنی فروشی‌های شهر

همین بس که  
بعد از بزرگ شدنم  
اسم واقعی‌ام را هم فراموش کردم  
مادرم، یاد من ماند  
گریه، یاد من ماند  
من هم در یاد همه‌ی اینها، دو پنجره‌ی کوتاه  
نیم-لا هستم  
که انگار خدا دم رفتن  
برای درست کردنشان وقت کافی گذاشته باشد  
-مامان تو چطور حواسم پرت کردی از گریه  
کردن؟

مامان چطور خدا منو فرستاد سراغ تو  
وقتی دعا کردن بلد نبودم؟

## چشم کمان باز



محمد حسن زاده، گنبد کاووس

تا چشم کمان باز تو بر من نظر انداخت  
این چشم پریشان شد و در جا سپر انداخت  
با اخم اگر معتقدی روی تو زیباست  
زیبایی اینگونه مرا در خطر انداخت  
این عشق که آواره‌ام از خوب و بدش، باز  
یک طایفه را کشت و مرا توی شر انداخت

## پروانه‌ها



شادروان محمدزمان گلدسته، گرگان

این بوسه‌ها که طعم انارند بیشتر  
بهرتر که دل به دست بیارند بیشتر  
پروانه سوخت... قصه به آخر رسید؟ نه!  
پروانه‌ها ملاحظه دارند بیشتر  
خط‌های تا همیشه موازی من و توایم؟  
اینها شبیه ریل قطارند بیشتر  
شاید مرا به تو برسانند، صبر کن  
یک ایستگاه اگر چه ندارند بیشتر  
هر چه گزیدنی‌ست مرا نیش زد ولی  
پروانه‌ها که نیش ندارند بیشتر  
پروانه‌ام! تو نیش زن، بوسه بهتر است  
این نازها اگر چه شعارند بیشتر  
این چشم‌های خشک نمی‌آیدم به کار  
دیوانه! قهر کن که بیارند بیشتر  
باور کنی منم، نکنی باز هم منم  
دیوانه‌ها به عشق دچارند بیشتر  
با شبنم و انار به بالین من بیا  
با کاکلت که سبزه نگارند بیشتر  
شاعر تمام شد غزلش نیمه‌کاره ماند  
این واژه‌ها شعور ندارند بیشتر

## از گریه کردن



مارال افشاری، گرگان

اسم من را بین جماعت غریبه پرسیدی  
گفتم آدم را توی وطنش

پیک حق میدهد همیشه سروش  
ظالمان می شوند خانه خراب  
آرزو میکنم که حضرت عشق  
دست گیرم شود به روز حساب

## خون خدا

هیچ کسی به قدر تو محو خدا نمی‌شود  
کشتی رستگاری و نور هدی نمی‌شود  
دل به یگانه بسته‌ای از همه کس گسسته‌ای  
سر برو، تن برو، دل که جدا نمی‌شود  
شوق وصال حق به دل، شیب، خضیب و گونه گل  
وقت وصال شد ولی، خون که حنا نمی‌شود  
سم ستور و سینه‌ها، خار مغیل و پینه‌ها  
کهنه لباس پیکرت، ستر و ردا نمی‌شود  
سر سرت چه بوده که منتقمت خدا شده  
هر که که سر بریده شد، خون خدا نمی‌شود  
کودک داغ دیده را مهر و محبتش بکن  
چاره‌ی گریه‌های او تشت طلا نمی‌شود  
زینت عابدان کند گریه و ذکرش این بود  
هیچ غمی برای من شام بلا نمی‌شود  
با صنمت چه کرده‌ای پاک و عزیز گشته‌ای  
خاک مزار غیر تو، دار شفا نمی‌شود  
دفتر دل شده سیه، سینه شده غرق گنه  
جز به دم و ذکر غمت، سینه جلا نمی‌شود  
با همه‌ی کنایه‌ها، طعنه‌ی شوم سایه‌ها  
هیچ تزلزلی در آن ماه عزا نمی‌شود  
پرچم سرخ تو شده مرکز عشق و عاطفه  
هیچ تفاوتی در آن شاه و گدا نمی‌شود

## کربلا



محمدرضا فولادی، بندر ترکمن

گلویی تشنه را تیری رها شد  
میان خیمه‌ها بضعی صدا شد  
و از چشم خدا یک قطره‌ی اشک  
زمین افتاد و اسمش کربلا شد

## شعر گلستان

## دو غزل عاشورایی



عبدالمعلی دماوندی، گرگان

## دشت خون و آتش و آب

قصه‌ی دشت خون و آتش و آب  
خیر و شری درون پهنه‌ی قاب  
تشنگانی به فکر قدرت و جاه  
عاشقانی ز عشق حق سیراب  
شیر مردان در مصاف و نبرد  
رو به دیدار راستی به شتاب  
آنطرف هم جماعتی بد کین  
گمراهانی در انتظار سراب  
سوزش آفتاب گرم سپهر  
شعله میزد به سینه‌های کباب  
باغبان، غصه‌ی خزان می خورد  
غنچه از تشنگی شده بیتاب  
نهر جاری و پر تلاطم بود  
مست و مغرور و پر ز حباب  
ناگهان در میان نیمه‌ی روز  
دید در خود طلیعه‌ی مهتاب  
تا وفایش به شهریاران دید  
آب گردید از خجالت آب  
غنچه در دست باغبان رقصید  
بر ملا شد خبیث پشت نقاب  
ناکسی با کمان پولادین  
کرد طفل حمیده را سیراب  
در غرویی حزین و غم آلود  
تا فلک رفت نغمه‌های رباب  
مشت خود را به زیر ساقه گرفت  
تا نریزد به روی خاک گلاب  
داد خون شقایقش به سپهر  
تا نگردد جهان به زیر تراب

# ترانه

## دلی که عاشقت بود



زهرا کمیزی، گرگان

چه زود فراموش شد  
دلی که عاشقت بود  
میون باغ قلبت  
گل شقایقت بود

چه زود فراموش شد  
دلی که تو رو دوس داش  
یه لحظه از رو عکست  
چشمشو بر نمی داش

تمومه عشقشو بهت جا گذاشت توی چشات  
نگاهی کن به آینه می بینیش از تو نکات

چه زود فراموش شد  
دلی که از تو مینوشت  
میخواست بمونه پیش تو  
ازینجا تا خنده بهشت

واسه خوشحالی تو  
از جوشش مایه می داش  
یادت نره چه کردی  
راحت گذاشتی تنهاش

تمومه عشقشو بهت جا گذاشت توی چشات  
نگاهی کن به آینه می بینیش از تو نکات

تنها کافی بود  
یک بار که گم شده بودم  
میان برف و شب  
از صدای سوختن چوب‌های بلوط  
در اجاقی که بغل تو بود  
از صدای سیاه دود بلندش  
چشم‌هایم به اشک می آمد

تو پیدایم نکردی  
درست وسط یک قایم باشک  
گم شده بودم  
و از هفت سالگی به بعد  
برف روی برف  
تا بهمن هولناک همین امسال ...

برف روی برف که می بارد  
نصف شهر را می برد  
از یاد نصفه شب‌های خواب زده  
مثل کابوسی سپید  
وسط یک رقص دو نفره ...

با یک گل بهار می شود  
من که آسمان را  
روی چشم‌هایم کشیده‌ام  
اما دست‌هایم از لبه‌های کبودش  
هنوز پیداست  
میان تابوت بلوط  
پاهایم بیرون زده‌اند و  
خبر از مرگ موافقی می گیرم  
که سنجاب‌ها گمش کرده بودند

تا تو بیایی  
و پیدایم کنی  
من هنوز با همه چشم  
پشت دست‌های خودم  
قایم شده‌ام

## در آغوش دریا سوختم



مهدی رحیمی، گرگان

«خواب رفتن دیدم و شک و یقین کاری نکرد  
پنج طوفان گریه کردم آستین کاری نکرد»\*

سجده کردم، پیکرم را بر زمین انداختم  
آسمان بارید اما این زمین کاری نکرد

من درون پلهام شوق رهایی داشتم  
راه کج بود و خدای راستین کاری نکرد

فطرم دریا و در آغوش دریا سوختم  
قایقی بی سرنشینم، همنشین کاری نکرد

طعمه ضحاک خواهد شد تمام باورم  
هیچ کس بهر نجات آبتین کاری نکرد

عاقبت تعبیر شد خوابم، زمان رفتن است  
خواندن صدباره‌ی حبل‌المتین کاری نکرد  
\*بیت مطلع از علی‌اکبر یاغی تبار



## دو شعر از سمیه فخرالدین، گرگان



### در خویش ویرانم

در امتداد ساحلی آرام  
یک ماهی بی حرکتیم، هیچم  
دارم برای درد دل‌هایم  
در گوش شن‌ها نسخه می پیچم

یک روز خوبِ خوبم و یک روز  
از عالم و آدم طلبکارم ...  
هرگز نفهمیدی که بعد از تو  
با عکس هایت گفتگو دارم

سر می‌روم از زندگی بی تو  
از اعتماد مرده دلگیرم  
دل‌تنگ آغوشت شدم گفتم  
از دوریت هر لحظه می میرم؟

خنجر زیادی خورده‌ام از پشت  
با زخم‌هایم خود زنی کردم  
دل‌وایس بودن، نبودن‌ها  
دور کسی شکل تو می‌گردم

در خویش ویرانم ولی اصلا  
جز سایه‌ام یاری نمی‌بینم  
گم می‌شوم در پازل غصه  
از خاطرات درد می‌چینم

### درد عشق

درد عشق است که آوار شده روی سرم  
آه .. دل‌تنگی من می‌چکد از چشم ترم  
شب تردید و پریشانی و آغاز جنون  
باز در حالت شیطانی خود غوطه‌ورم  
تلخی چای و کمی قند لبانت امشب  
آدمم بوسه بچینم که غم را ببرم  
پشت ایوان خیال و غم این پنجره‌ها  
نیست غیر از رخ تو منظره‌ای در نظرم  
من دلم پیش تو اما تو کجایی که چنین  
بین ما فاصله افتاده و من بی‌خبرم  
گفته بودم که شده سهم دلم آتش و دود  
«پدر عشق بسوزد که درآمد پدرم»

مثل یک کفتر چاهی لب بام دل تو  
قبل افتادن از چشم ... چه می‌شد ببرم؟  
ماجرای من و تو لاف نبوده است اما  
عاشقم بودی و امروز نمانده اثرم

### پشت دست‌های خودم



کبری خسروی، کرمانشاه

با یک گل هم بهار می‌شود  
من که باور دارم!

لبخند تو الگوی همه صلح طلب‌هاست  
هرچند مرا با پدرت سخت در انداخت  
صد بار تو را خواستم، او نیز همان‌قدر  
شیرینی و گل‌های مرا پشت در انداخت  
آن روسری کردی و آواز دف من  
لرزه به دل مرده‌ی کوه و کمر انداخت  
هیزم‌شکن از خاصیت نام تو عاصی‌ست  
از بس که به اسم تو رسید و تیر انداخت  
با دیدنت آرامش این شعر به هم ریخت  
آرایش تو دردسری در هنر انداخت

## من خودم محرمم



داریوش جلینی، گرگان

من خودم محرمم ولی واسم  
کسی نیس سینه و زنجیر بزنه  
هیچکی نیس برای سر بریدنم  
با صدای خسته تحریر بزنه

همه دنیا مٹ نینوا شده  
تو دلم حرم‌له‌ها جمع شدن  
من یه مومبایی خسته‌م که  
روو چشمام حنظله‌ها جمع شدن

رختای تیره تونو در نیارین  
این دغه دنیا سیا پوش منه  
بذارین رویا به آخر برسه  
جسد دنیا توو آغوش منه

بذارین برای یه بارم شده  
دلم آروم بشه با دیدنتون  
نمی‌خوام مثل گذشته‌ها بشه  
بودنم باعث خندیدنتون

طاقتم طاق شده، بسه دیگه  
این همه زخمو کجا رفو کنم؟  
یکی پیدا نمی‌شه بهم بگه  
کجا می‌شه عشقو جستجو کنم؟

روی این جسم پر از زخم، کجا  
می‌شه یه مرهم روشن بذارم؟  
تا کجا شکستو حاشا بکنم؟  
شیشه رو کنار آهن بذارم؟

کاش یکی پیدا بشه تاریکیو  
از روی نیمه‌ی ماه بکنه  
من خودم محرمم ولی واسم  
کسی نیس سینه و زنجیر بزنه







در روزگاری که حجم اطلاعات، شتاب تحولات اجتماعی و پیچیدگی مسائل عمومی به طور بی سابقه‌ای افزایش یافته است، بخش مهمی از هزینه‌های توسعه نیافتگی و نابسامانی‌های اجتماعی بر دوش کسانی قرار می‌گیرد که وظیفه تحلیل، نقد، پژوهش و آگاهی بخشی را بر عهده دارند. فشارهای پنهان بر ذهن نخبگان فکری، روزنامه نگاران و پژوهشگران اجتماعی، پدیده‌ای است که کمتر دیده می‌شود، اما آثار آن می‌تواند به مراتب عمیق‌تر از بسیاری از آسیب‌های آشکار باشد. در جوامع امروز، توجه افکار عمومی اغلب به بحران‌های قابل مشاهده معطوف می‌شود؛ بحران‌های اقتصادی، چالش‌های سیاسی، آسیب‌های اجتماعی و منازعاتی که در عرصه عمومی جریان دارند. اما در پس این رخدادها، نوع دیگری از بحران در حال شکل‌گیری است که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ بحرانی که نه در خیابان‌ها و نهادهای رسمی، بلکه در عرصه اندیشه و ذهن فعالان فکری جامعه رخ می‌دهد. افرادی که به طور مستمر با واقعیت‌های تلخ اجتماعی، نارسایی‌های مدیریتی، آسیب‌های فرهنگی و مسائل پیچیده انسانی سروکار دارند، ناگزیر بار سنگینی از فشارهای روانی و ذهنی را تحمل می‌کنند. روزنامه نگاران، پژوهشگران علوم اجتماعی و تحلیلگران، از جمله گروه‌هایی هستند که بیش از دیگران در معرض این فرسایش تدریجی



## فرسایش خاموش سرمایه‌های فکری ...



علی کبانی

قرار دارند. کار این افراد صرفاً انتقال اطلاعات یا ارائه تحلیل نیست. آنان ناچارند هر روز میان انبوهی از داده‌های متناقض، روایت‌های مختلف و منافع گاه متعارض، مسیر دستیابی به واقعیت را جست‌وجو کنند. این فرآیند مستمر، ذهن را درگیر پرسش‌هایی می‌کند که پاسخ بسیاری از آنها روشن و قطعی نیست. نتیجه آن، شکل‌گیری نوعی خستگی شناختی است که در بلندمدت می‌تواند توان تصمیم‌گیری، قدرت تحلیل و حتی انگیزه حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر، مواجهه دائمی با اخبار خشونت، فساد، تبعیض، فقر، بزهکاری و ناکارآمدی‌های ساختاری، آثار عمیقی بر سلامت روان فعالان حوزه‌های فکری و رسانه‌ای بر جای می‌گذارد. بسیاری از آنان پس از پایان ساعت کاری نیز قادر به فاصله گرفتن از موضوعات حرفه‌ای خود نیستند. پرونده‌ها، گزارش‌ها و مسائل اجتماعی همچنان در ذهن آنان جریان دارد و ذهن فرصت کافی برای بازسازی و بازیابی انرژی پیدا نمی‌کند. آنچه این وضعیت را نگران‌کننده‌تر می‌سازد، کم‌توجهی نهادهای مسئول به اهمیت سلامت روان و امنیت حرفه‌ای صاحبان اندیشه است. در بسیاری از موارد، جامعه انتظار دارد روزنامه‌نگار، پژوهشگر یا تحلیلگر همواره هوشیار، دقیق و مسئولانه عمل کند، اما کمتر به این پرسش پاسخ می‌دهد که چه سازوکاری برای حمایت از این سرمایه‌های فکری

در نظر گرفته شده است. واقعیت آن است که کیفیت تصمیم‌سازی، آگاهی عمومی و اصلاح اجتماعی تا حد زیادی به سلامت فکری و استقلال ذهنی کسانی وابسته است که وظیفه تولید دانش، تحلیل و اطلاع‌رسانی را بر عهده دارند. هر اندازه این گروه‌ها در معرض فشار، ناامنی شغلی، محدودیت‌های حرفه‌ای و فرسودگی ذهنی قرار گیرند، به همان میزان کیفیت جریان آگاهی در جامعه کاهش خواهد یافت. امروزه توسعه پایدار تنها به زیرساخت‌های اقتصادی و عمرانی وابسته نیست؛ بلکه به میزان توجه به سرمایه انسانی و فکری نیز بستگی دارد. جامعه‌ای که از اندیشه‌ورزان، پژوهشگران و اصحاب رسانه خود حمایت نکند، در واقع یکی از مهم‌ترین منابع پیشرفت و اصلاح را تضعیف کرده است. ضروری است که موضوع سلامت روان حرفه‌ای، امنیت شغلی، استقلال فکری و حمایت از فعالان حوزه دانش و رسانه به یک مطالبه جدی تبدیل شود. زیرا آسیب‌دیدگی ذهن‌های مسئول و حقیقت‌جو، صرفاً یک مسئله فردی نیست؛ بلکه پیامدهای آن می‌تواند دامنگیر کل جامعه شود. در نهایت، هرگاه چرخه تولید آگاهی دچار اختلال شود، نخستین قربانی آن، توان جامعه برای شناخت مسائل و یافتن راه‌حل‌های مؤثر خواهد بود.

فعال رسانه‌ای

# کشت قراردادی نسخه نجات کشاورزی از بلاتکلیفی



در زمان تحویل محصول، سهم خود را به صورت شفاف دریافت می‌کند. مهقانی افزود: این شیوه باعث می‌شود کشاورز در طول فصل با کمبود نقدینگی کمتر مواجه شود و از سوی دیگر، خریدار نیز مطمئن باشد که محصول مورد نیاز خود را با کیفیت مشخص و در زمان مقرر دریافت می‌کند. وی با تأکید بر اینکه کشاورزی قراردادی باید بر پایه تعهد روشن دو طرف باشد، گفت: کیفیت محصول، قیمت خرید و میزان تعهد طرفین باید از قبل مشخص شود، اگر کشاورز محصولی با کیفیت بالاتر تولید کند، باید پاداش آن را بگیرد؛ همان‌طور که در چغندر، عیار محصول در قیمت‌گذاری اثر مستقیم دارد. معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی گلستان اظهار کرد: در گندم نیز باید به تدریج به سمت چنین مدلی حرکت کنیم؛ به گونه‌ای که کیفیت، پرتوتین، گلوته و سایر شاخص‌های فنی در قیمت‌گذاری نقش داشته باشد تا کشاورز برای تولید محصول بهتر انگیزه پیدا کند. مهقانی با اشاره به مزیت‌های ملی کشاورزی قراردادی اظهار کرد: با گسترش این الگو، دولت از تصدای گری مستقیم در خرید و انبارداری فاصله می‌گیرد و به‌جای آن، نقش نظارتی و حمایتی خواهد داشت، در نتیجه هم هزینه‌های عمومی کاهش می‌یابد و هم بهره‌وری تولید در استان و کشور افزایش پیدا می‌کند. وی تأکید کرد: اگر بخواهیم کشاورزی را از وضعیت فعلی خارج کنیم، باید از تولید بی‌برنامه فاصله بگیریم و به سمت تولید مبتنی بر قرارداد، بازار مشخص، نهادهای تضمین‌شده و تسویه حساب شفاف حرکت کنیم؛ این همان مسیری است که می‌تواند آینده کشاورزی گلستان و کشور را متحول کند. بر اساس این گفتگو، توسعه کشت قراردادی در گلستان به معنای پایان دوران بلاتکلیفی محصول، افزایش بهره‌وری منابع آب و خاک، و تبدیل شدن کشاورز از یک تولیدکننده نگران به یک شریک تجاری مطمئن است؛ تحولی که گلستان را از تأمین‌کننده مواد اولیه خام، به قطب ارزش‌افزوده و صنایع تبدیلی در کشور تبدیل خواهد کرد.

فنی می‌تواند از سوی خریدار یا از مسیر قرارداد تأمین شود تا کشاورز با دغدغه کمتر و کیفیت بالاتر تولید کند. به گفته وی، وقتی صنعت، رقم مورد نیاز خود را از ابتدا مشخص می‌کند، کشاورز نیز بر همان اساس کشت می‌کند و نهادهای متناسب با نیاز آن محصول در اختیارش قرار می‌گیرد. وی ادامه داد: این موضوع علاوه بر کاهش هزینه‌های پراکنده و خریدهای غیرهدفمند، باعث می‌شود تولید نهایی دقیق‌تر، اقتصادی‌تر و استانداردتر باشد. معاون بهبود تولیدات گیاهی جهاد کشاورزی گلستان درباره نحوه تسویه حساب در کشت قراردادی توضیح داد: در پایان فصل، محصول تولیدی توسط خریدار تحویل گرفته می‌شود و هزینه نهادهای، خدمات و سرمایه‌گذاری اولیه از محل مبلغ نهایی محصول کسر می‌شود، به این ترتیب کشاورز بدون نیاز به مراجعه‌های متعدد برای تأمین مالی، تولید خود را انجام می‌دهد و

می‌شود؛ موضوعی که هم ریسک فروش را برای کشاورز کاهش می‌دهد و هم بار مالی دولت را سبک‌تر می‌کند. وی با بیان اینکه یکی از ارکان اصلی کشاورزی قراردادی حضور فعال صنایع است، افزود: کارخانه‌های آرد، روغن‌کشی، نساجی، صنایع غذایی و سایر واحدهای مصرف‌کننده مواد اولیه باید از ابتدای فصل کشت وارد قرارداد شوند و به‌جای خرید محصول در پایان فصل، در فرآیند تولید مشارکت داشته باشند. این مقام مسئول ادامه داد: در این مدل، صنعت فقط خریدار نیست، بلکه به نوعی شریک تولید محسوب می‌شود؛ چرا که بخشی از نهادهای، بذر، کود، سم، خدمات فنی، و در بسیاری موارد سرمایه در گردش مورد نیاز کشاورز را تأمین می‌کند تا محصولی مطابق با نیاز خود دریافت کند. مهقانی با تشریح نقش نهادهای در این الگو گفت: در کشاورزی قراردادی، بذر، کود، سم و حتی مشاوره

در حالی که دغدغه اصلی کشاورز فروش محصول است، توسعه کشت قراردادی می‌تواند با حذف واسطه‌ها و تضمین خریدار، این بن‌بست قدیمی را برای کشاورزان گلستانی بشکند. به گزارش مهر، استان گلستان به عنوان یکی از قطب‌های اصلی کشاورزی کشور، با داشتن تنوع اقلیمی کم‌نظیر و ظرفیت‌های خیره‌کننده در تولید محصولات استراتژیک، همواره یکی از ستون‌های اصلی تأمین امنیت غذایی در کشور محسوب می‌شود. با این وجود، آنچه امروز پایداری تولید و رفاه کشاورزان این دیار را تهدید می‌کند، نه ضعف در تولید، بلکه خلأ در «حلقه نهایی» زنجیره ارزش؛ یعنی بازار، بسته‌بندی و فروش است. ساختار فعلی کشاورزی که اغلب بر پایه تولید انبوه و فروش بدون برنامه‌ریزی استوار است، سال‌هاست که کشاورزان گلستانی را در چنبره‌ای از نوسانات قیمت، هزینه‌های کمرشکن تولید و عدم اطمینان از فروش محصول گرفتار کرده است. از طرفی، دولت نیز به‌تنهایی زیر بار سنگین خرید تضمینی، انبارداری و مدیریت بازار محصولات کشاورزی، توان بهره‌وری حداکثری از منابع را از دست داده است. در چنین شرایطی، گذار از کشاورزی معیشتی و پراکنده به کشاورزی قراردادی نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای نجات کشاورزی گلستان است. در همین رابطه معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی گلستان با بیان اینکه کشاورزی قراردادی تنها راه عبور از مشکلات فعلی بخش کشاورزی است؛ اظهار کرد: در مدل کشاورزی قراردادی، صنعت از ابتدای فصل کشت وارد می‌شود، نهادهای و سرمایه در گردش را تأمین و در پایان، هزینه‌ها را از محل محصول نهایی تسویه می‌کند. علی اکبر مهقانی با تأکید بر اینکه تداوم شیوه‌های سنتی خرید تضمینی و تولید بدون بازار مشخص، کشاورز و دولت را هم‌زمان متضرر می‌کند، افزود: در مدل کشاورزی قراردادی، خریدار محصول از همان ابتدا مشخص است و تولید بر اساس نیاز واقعی صنعت و بازار انجام